

روزهای انقلاب به روایت آیه... طاهری خرم آبادی

روایت انقلاب و خاطرات به یادماندنی آن ایام از زبان یاران و نزدیکان امام و شرح آنچه در لابلای تاریخ مغفول مانده است می تواند برای نسلی که در آن روزگار حضور نداشتند شنیدنی و یا سرنوشت ساز باشد. (۱) حجة الاسلام والمسلمین طاهری خرم آبادی درباره خاطرات آن ایام چنین می گوید:

شب دوازدهم بهمن را به اتفاق مرحوم شهید قدوسی در منزل یکی از دوستان ایشان که در نزدیکی دانشگاه قرار داشت خوابیدیم و صبح زود روز دوازدهم بهمن آمدیم به دانشگاه و از آنجا به اتفاق مرحوم شهید بهشتی، مرحوم شهید قدوسی، مرحوم ربانی املشی، آقای قاضی خرم آبادی، مرحوم عمویم و همینطور تعدادی از علمای خرم آباد که در تحصن حضور داشتند، با یک دستگاه اتوبوس به فرودگاه رفتیم. یادم می آید که اتوبوس در قسمت درب غربی دانشگاه ایستاده بود و مرحوم شهید بهشتی وقتی آمدند، با هم به طرف فرودگاه حرکت کردیم. ورود امام و از اینکه چنین پیروزی بزرگی نصیب ملت ایران شد، برای همگان مسرت بخش بود. عکسی از زمان بازگشت از فرودگاه دارم که کسانی که در اتوبوس نشسته اند از شوق در حال گریه کردن هستند. آقای مشکینی، آقای ربانی املشی و آقای ربانی شیرازی از کسانی هستند که در این عکس دیده می شوند.

واقعیت این است که در شب دوازدهم بهمن همگی نگران بودیم. نه تنها ما، بلکه همه مردمی که طرفدار امام بودند نگران بودند، حتی من شنیده ام که مسلمانان سایر کشورها که دوستدار امام بودند نیز نگرانی خود را پنهان نمی کردند. بعداً در روزنامه ها نوشتند که همه مسلمانان نگران چگونگی ورود امام به ایران بودند. آنها نسبت به هواپیمای حامل حضرت امام نگران بوده تا مبدا اتفاقی بیفتد. (۲) طبیعی هم بود که نگران باشند؛ زیرا انقلاب اسلامی در مقابل همه ابرقدرتها قرار داشت.

از قبل، برنامه این گونه تنظیم شده بود که حاج احمد آقا، آقای پسندیده را برای استقبال به داخل هواپیما ببرند و همینطور آقای مطهری هم رفته بودند. حتی ماشین آنها تا قسمت باند فرودگاه هم رفته بود. ما در یک فضایی که قرار بود حضرت امام از در آنجا وارد شوند ایستاده بودیم. گروه سرود و موزیک هم در قسمت جلوتر آماده اجرای سرود بودند. همه منتظر بودیم، مرحوم شهید بهشتی هم در این قسمت بودند، علمای دیگری هم بودند و منتظر ورود امام بودیم که در باز شد و حاج احمد آقا آمد و آقای پسندیده را به داخل برد و طولی نکشید که دیدیم حضرت امام وارد شدند. وقتی امام وارد شدند، نظم به هم خورد. خبرنگارها، چه آنهایی که همراه با امام آمده بودند و چه آنهایی که در فرودگاه منتظر امام بودند و گزارشگران و عکاسان همه هجوم آوردند به طرف امام که در این قسمت به حضرت امام فشار وارد شد. البته عده ای هم همچنان منظم ایستاده بودند. بعد از ورود امام و با توجه به شور و شوقی که در آن فضا وجود داشت، سرود خوانده شد و بعد از سرود، مرحوم شهید بهشتی مقداری صحبت کردند و پس از آن حضرت امام در همان درگاهی که وارد شدند، مقداری به صورت ایستاده، سخنرانی کردند و در پایان از همان دری که وارد شدند مجدداً به طرف داخل برگشتند تا با ماشین از فرودگاه خارج شوند. (۳) امام پس از این به وسیله بالگرد به مدرسه رفاه رفتند.

در آن زمان احتمال حمله به امام هم وجود داشت. به هر حال ما چند نفر، در آن محوطه حضور داشتیم که دیدیم بالگرد حامل حضرت امام از بالای سر همه عبور کرد و رفت و در محوطه بیمارستان امام خمینی که در آن زمان به آن پهلوی می گفتند نشست. ظاهراً حال حضرت امام مساعد نبود؛ زیرا از زمان ورود به ایران با ازدحام جمعیت مواجه بود و همین طور رفتن تا بهشت زهرا و سخنرانی در آنجا، همه اینها موجب شده بود که امام مقداری ناراحت شوند. در اینجا هم برای اینکه مجدداً از طرف جمعیت به ایشان فشاری وارد نشود، بالگرد در آنجا فرود نیامد و به بیمارستان امام خمینی رفت.

همانطوری که می دانید تمام جمعیت در بهشت زهرا نبودند، بلکه جمعیت زیادی اطراف مدرسه رفاه بودند تا امام را در این مدرسه دیدار کنند، جمعیت در محوطه و کوچه ها و خیابانهای اطراف مدرسه اجتماع کرده بودند. بالگرد حامل حضرت امام در محوطه بیمارستان امام خمینی می نشیند و پرستارها و کارکنان هم آن کوپتر جمع می شوند. از بیمارستان هم امام را با ماشینی که تهیه کرده بودند، به منزل یکی از بستگانش می برند تا امام در آنجا مقداری استراحت کنند.

پی نوشتها:

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی استان قم- به کوشش دکتر علی شیرخانی

۲- از جمله تهدیدها، ربودن هواپیمای حامل حضرت امام بود. «اردشیر زاهدی به همراه بعضی از اطرافیان شاه از جمله سرهنگ جهانبانی، توطئه ای را برای ربودن هواپیمای حامل امام در دست اجرا دارند تا با اجبار ایشان به سازش، شاه را به کشور برگردانند، لکن به علت عوامل فراوانی موفق به اجرای آن نشدند.» هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳- حضرت امام پس از ورود به سالن فرودگاه، طی یک سخنان ۸ دقیقه ای از تمام طبقات ملت تشکر کرد و گفت: شما با راندن شاه از کشور پیروزی بزرگی به دست آوردید ولی قدمهای بزرگتری در پیش داریم که در درجه اول کوتاه کردن دست خارجی است. پس از پایان مراسم استقبال در سالن فرودگاه، حضرت امام با یک اتومبیل شورلت بلیزر به طرف میدان آزادی حرکت کردند.